

امیلیا فرسیسیانی

زبان در گستره فرهنگ

مجموعه مقالات انسان‌شناسی زبان‌شناختی





سرشناسه: نرسیسیانس، امیلیا، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور: زبان در گستره فرهنگ / امیلیا نرسیسیانس.
مشخصات نشر: تهران: افکار جدید، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۳۲۵ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۶۱۷-۵-۳-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: زبان و جنسیت
موضوع: Language and sex
موضوع: زبان -- تفاوت‌های جنسی
موضوع: Sex differences -- Language and languages
موضوع: دوزبانگی
موضوع: Bilingualism
رده بندی کنگره: ۹۴۱۳۹۶ ن ۹ ج ۱۲۰/۲
رده بندی دیویی: ۴۴/۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۶۰۹۳۰

زبان در گستره فرهنگ

مجموعه مقالات انسان شناسی زبان شناختی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران | نویسنده: امیلیا نرسیسیان



افکار جدید

زبان در گستره فرهنگ

نویسنده: امیلیا نرسیسیان
دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حروفچین: حمید سناجیان
ناظر فنی چاپ: شهاب بهرامی
چاپ و صحافی پردیس دانش

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۶۱۷-۵-۳

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه متروی نواب،
برج گردون، ورودی شمال، طبقه ی نهم، واحد ۹۰۳
کدپستی ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶ - تلفن دفتر و دورنگار: ۶۶۳۸۳۳۱۸

 nashreafkar@gmail.com

 @nashraafkar

 nashreafkar

 Fidibo.com/nashreafkar

 Taaghche.ir/nashreafkar

تقدیم به پسر

آرمان

فهرست

پیش‌گفتار	الف
فیلم‌نامه‌ها دال‌هایی برای انعکاس الگوهای محاورات جنسیتی	۷
زبان و کاربردهای انسان‌شناختی	۲۷
زبان تصویری و عاطفه	۴۱
حفظ محیط زیست و رشد دانش بومی	۵۷
کارکرد زبان (ها) در شهر	۷۳
دوزبانه‌های هشت ساله و توانش شناختی	۱۱۷
اشاراتی به زبان استاندارد، دوزبانگی و دوزبانگونگی	
در بافت چند فرهنگی ایران	۱۲۹
تأثیر متقابل عوامل عاطفی و شناختی در فرایند اجتماعی شدن	
کودکان دوزبانه	۱۴۳
کارکردگرایی و نادیده انگاشتن گونه‌های زبانی غیر مسلط	۱۶۷
تحلیل یادداشت‌های بازدیدکنندگان و ساخت هویت‌های اجتماعی	۱۸۵
ملاحظات علمی و عاطفی در روند تحقیق زبان‌شناسی انسان‌شناختی	۲۱۳
جامعه‌شناسی زبان‌های استاندارد در عهد ساسانیان	۲۲۵

۲۴۳	 زبان‌شناسی اجتماعی و گفت‌وگو: فراتر از کارکردگرایی
۲۶۱	 دوزبان‌گونه‌گی و دو فرهنگ‌گونه‌گی
۲۷۷	 دوزبانی، دوزبان‌گونه‌گی و دو فرهنگ‌گونه‌گی و کدهای محدود و گسترده
۲۹۳	 مردم‌نگاری ارتباطات زنان ارمنی
۳۱۷	 زبان و توصیف‌های دوزبانگی از دیدگاه شناختی
۳۳۷	 نمایه

پیش‌گفتار مؤلف

مطالعه زبان به عنوان یک کنش اجتماعی، قادر به نمایان کردن ساختار روابط اجتماعی سخنوران در جامعه خاص است. هر جامعه‌ای دارای قوانین، محدودیت‌ها و ویژگی‌های خود است که اعضای جامعه در روند فرهنگ‌پذیری، آن‌ها را به صورت آزمون و خطا، پاداش و تنبیه از نسل گذشته فرا می‌گیرند و به فعل در می‌آورند. جامعه با در دست داشتن ابزار فرهنگ قادر به کنترل و تنظیم رفتارهای گفتاری افراد است. زبان پدیده‌ای است فراگیر، هر جا انسان هست زبان هم وجود دارد و وظیفه زبان‌شناس اجتماعی یافتن تأثیر هنجارها و ارزش‌های جامعه بر زبان است. از نظر او زبان به صورت نمادین بازنماگر تعاملات افراد و رفتارهای اجتماعی آن‌ها است. از به وجود آمدن ادبیات مربوط به زبان‌شناسی اجتماعی و تبدیل آن به یک رشته دانشگاهی بیش از شصت سال نمی‌گذرد. علم‌داران این علم را در غرب ویلیام لابوف و جان گومپرز از ایالات متحده آمریکا و بازیل برنشتاین از بریتانیا می‌دانند. به خاطر دارم هنگامی که در انگلستان مشغول تحصیل در این رشته بودم از دیدن اثر بسیار مفید جهانگیری و هودسون تحت عنوان «الگوهای گونه‌های زبان فارسی تهرانی» چه قدر خوشحال شدم. در بازگشتم

به ایران، ملاقاتم با دو استاد دیگر این رشته، آقایان دکتر افخمی و دکتر مدرسی، که تأثیر بسیار زیادی در زندگی علمی و حرفه‌ای من داشتند، شور دیگری به دلم انداخت. احساس کردم در این راه تنها نیستم و دیگرانی قبل از من این راه را رفته‌اند.

کتاب حاضر، مجموعه‌ای است منتخب از هفده مقاله. در این کتاب سعی کرده‌ام مقالاتی را که گوشه‌هایی از مسئله زبان در ایران را مطرح می‌کند، در یک جلد جمع‌آوری کنم تا راحت‌تر در دسترس دانشجویان و علاقمندان به این رشته قرار گیرد. در اولین مقاله تحت عنوان «فیلم‌نامه‌ها دال‌هایی برای انعکاس الگوهای محاورات جنسیتی» سعی شده است تا به این سؤال که تفاوت‌های موجود در نحوه و به کارگیری و استفاده از زبان در جنسیت‌های مختلف چیست پاسخ دهد.

مقاله دوم اختصاص به «زبان و کارکردهای انسان‌شناختی» دارد. سؤالاتی از قبیل یادگیری زبان تا چه حد برای انسان یک عمل ذاتی و ذهنی است و این‌که زبان تا چه حد مقوله اجتماعی و فرهنگی است؟ مشترکات زبانی کدام هستند؟ و... از دیدگاه‌های چامسکی، سائپرو وورف، گومپرز و دیگران پاسخ داده شود.

«زبان تصویری و عاطفه» به نقاشی‌های غار که توسط پرورش قدرت دماغی در بین انسان متفکر مدرن به وجود آمده است می‌پردازد و رویکردی نشانه‌شناسیک به آن دارد.

«حفظ محیط زیست و رشد دانش بومی» مقاله‌ای است که اختصاص به اهمیت حراست از محیط زیست دارد و ثابت می‌کند عواملی که محیط طبیعی را به تخریب و نابودی می‌کشاند، محیط زیست جوامع را نیز به هم می‌ریزد و مانع حفظ و رشد زبان‌های بومی می‌شود.

موضوع مقاله پنجم «کارکرد زبان‌ها در شهر» به مقایسه و حوزه‌های

کاربرد زبان‌های ترکی و ارمنی اختصاص دارد. «دوزبانه‌های هشت‌ساله و توانش شناختی» گشت و گذاری است در مدارس ارمنی و عادی. در این مقاله نشان داده می‌شود که کودکان ارمنی علی‌رغم توانش ارتباطی نسبتاً بالا در زبان غیرمادری خود هنوز برای ارتقا توانش شناختی به زبان دوم، نیاز به برخورد ویژه از طرف نهادهای آموزشی و جامعه ارمنی هستند.

«اشاراتی به زبان استاندارد، دوزبانگی و دوزبانگونی در بافت چند فرهنگی ایران» مقاله‌ای است که با بهره‌گیری از مصداق‌های بومی قصد بررسی پدیده دوزبانگی و دو زبانگونی، در سطوح متفاوت اجتماعی را دارد. آیا دوزبانگی باعث عقب‌ماندگی و افت تحصیلی است؟ آیا کودکان دوزبانه به نسبت کودکان تک‌زبانه، دارای قابلیت‌های بهتری در زمینه یادگیری و توانش شناختی هستند؟ دو سؤالی است که پاسخ به آن‌ها بدنه مقاله هشتم تحت عنوان «تأثیر متقابل عوامل عاطفی و شناختی در فرایند اجتماعی شدن کودکان دوزبانه» را تشکیل می‌دهد.

«کارکردگرایی و نادیده انگاشتن گونه‌های زبانی» مقاله‌ای است در ارتباط با نقد مکتب کارکردگرایی که قادر به دیدن جایگاه و ارزش خرده‌فرهنگ‌ها نیست و در پی توجیه و تفسیر ایدئولوژی غالب در جامعه است. این مقاله با ارائه الگویی سعی خواهد کرد تا افقی فراتر از دیدگاه‌های مسلط درباره گونه‌های زبانی باز کند.

مقاله دهم به تحلیل دفتر یادداشت بازدیدکنندگان نمایشگاه، هنرمند معروف قفقازی سرگئی پاراجانوف، با نشان دادن مرزهای همپوشی «ما» و «دیگران» به بازتاب هویت‌های قومی، صنفی بازدیدکنندگان می‌پردازد.

زبان‌ها فاقد ویژگی‌های برتری‌جویی هستند و اگر زبانی در هرم سلسله مراتب قرار می‌گیرد و تبدیل به زبان فراتر و فروتر می‌شود دلیل آن نه در صرف زبان بلکه بر اثر کارکردهای قدرت از طریق جامعه و ابزارهای

اقتصادی و سیاسی است موضوع مقاله «ملاحظات علمی و عاطفی در روند تحقیق زبان‌شناسی انسان‌شناختی» را تشکیل می‌دهد.

ساختار زبانی جوامع مدرن و ماقبل مدرن به پشتوانه نظریه نیکوقایوس مار که در ایران کمتر شناخته شده است و نظریه جان گومپرز در مقاله «جامعه‌شناسی زبان‌های استاندارد در عهد ساسانیان» مقایسه می‌شود و سپس روند استاندارد شدن زبان فارسی در دوره ساسانیان بر اساس مدارک تاریخی مورد تشریح قرار می‌گیرد.

مقاله «زبان‌شناسی اجتماعی و گفت‌وگو: فراتر از کارکردگرایی» این موضوع را مطرح می‌کند که از پیوند دو رویکرد جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اجتماعی می‌توان به یک چارچوب نظری مناسب و عملی برای تحلیل برخی از موضوعات مربوط به پژوهش‌های زبان در بافت جامعه رسید و مقاله حاضر نیز کوششی است در این راستا.

اصطلاح دو فرهنگ‌گونگی تعمیمی است از اصطلاح دو زبان‌گونگی. به عبارت دیگر آنچه در پدیده دو زبان‌گونگی اتفاق می‌افتد در پدیده دو فرهنگ‌گونگی هم صادق است. همان‌طور که افراد شهرستانی هم به زبان منطقه‌ای خود مثلاً یزدی و هم به زبان فارسی تهرانی آشنایی دارند به همان صورت نیز هم به فرهنگ منطقه‌ای خود و هم به فرهنگی که در تهران رایج است نیز آشنایی دارند. پدیده دو زبان‌گونگی و دو فرهنگ‌گونگی موضوعاتی هستند که در مقاله‌ای به همین نام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

اگر روش‌های زبان‌شناسی ساختاری می‌تواند در مطالعات فرهنگی مفید باشد، مباحث زبان‌شناسی اجتماعی نیز باید بتواند در مباحث علوم اجتماعی مورد تعمیم قرار گیرد. در مقاله «دو‌زبانی، دوزبان‌گونگی و دو فرهنگ‌گونگی و کدهای محدود و گسترده» یک جنبه از ارتباط میان فرهنگ و زبان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و آن ارتباط میان چند زبانی بودن و چند فرهنگی

بودن است.

«مردم‌نگاری ارتباطات زنان ارمنی» گفت‌وگوهایی رایج در «دوره‌های قهوه» زنان را دستمایه تحقیق براساس الگوی مردم‌نگاری کلام هایمز قرار داده است.

آخرین مقاله این مجموعه به موضوع شناخت دوزبانگی در ارتباط با مسئله یادگیری کودکان در مدارس تک‌زبانه اختصاص دارد. در این مقاله نشان داده می‌شود که توانایی ارتباطی و توانایی شناختی در یک کودک دوزبانه به‌صورت همزمان اتفاق نمی‌افتد و برای حصول توانایی‌های شناختی این نوع از کودکان به زمان و مدارای بیشتری نیاز هست.

در پایان جا دارد از دانشجویانم در دانشگاه تهران تشکر ویژه برای سؤالات تفکربرانگیزشان که تجدیدنظر و تفکر و تحقیق فراتر را ایجاب کرده، داشته باشم. از اعضای گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیز که مرا تشویق به چاپ این مجموعه کردند، سپاسگزارم و قدردان زحمات جناب آقای ساسانی، مدیر محترم انتشارات افکار جدید، که موجبات انتشار این مجموعه را پدید آوردند، هستم.

فیلم نامه‌ها؛ دال‌هایی برای انعکاس

الگوهای محاورات جنسیتی

چکیده: یکی از موضوعات مهم در جامعه امروزی موضوع جنسیت است که باید آن را به مثابه موضوعی میان‌رشته‌ای مطرح کرد. از این رو، برای درک تفاوت‌ها و یا حتی اشتراکات رفتار زبانی در بین زنان و مردان در جوامع و شرایط فرهنگی متفاوت می‌توان از نتایج تحقیقات رشته‌های متفاوتی چون انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و غیره استفاده نمود. به نظر می‌رسد که بحث درباره‌ی موضوع جنسیت از دیدگاه طبیعت‌گرایان کهنه شده باشد. چرا که ریشه‌ی خصوصیات روانی زنان و مردان را باید در نوع پرورش آن‌ها در جامعه یافت. شبکه‌های شناختی ویژه‌ای که زنان و مردان از آن تأثیر می‌پذیرند، منتج از تجربیات اجتماعی آن‌ها در روند اجتماعی شدن است. حوزه‌های متفاوت زندگی روزمره از قبیل محیط خانه و مدرسه، کار و تفریح در گذشته و حال در شکل‌گیری تفاوت‌های شناختی آن‌ها بسیار مؤثر است. شکل‌های متفاوت شناختی از طریق فرهنگ و جامعه به هر دو جنس تحمیل می‌شود و گاه شانه خالی کردن

از آن ممکن است پیامدهایی ناگوار، فراتر از ظرفیت افراد، داشته باشد. رفتارهای زبانی متداول در یک جامعه و فرهنگ لزوماً در جامعه و فرهنگی دیگر مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. مطالعات انسان‌شناسی با تکیه بر بررسی‌های رفتاری در فرهنگ‌های متفاوت ثابت می‌کنند که عامل پرورش بر عامل طبیعت صرف، تفوق دارد. بررسی‌هایی هم که در روان‌شناسی اجتماعی صورت گرفته، نشانگر نتایج دقیق و ارزنده‌ای در مورد چگونگی شکل‌گیری «خود» در روند زندگی افراد و تفکرهای اجتماعی آن‌ها است. انسان‌شناسی تعلیم و تربیت نیز با تکیه بر رایج‌ترین کد جوامع متفاوت، یعنی زبان سعی می‌کند تا الگوی رفتاری ویژه جنسیتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. از نقطه‌نظر نشانه‌شناسی نیز باید زبان را به‌صورت دال، که حاوی مدلول و معانی ویژه و قابل تأویل است، دید و بررسی کرد. در این مقاله علاوه بر مرور دیدگاه‌های نظری در دنیا و مطالعات انجام گرفته در ایران، مواردی از انعکاس زبان جنسیتی، به‌ویژه کمیت و کیفیت آن در برخی از فیلم‌نامه‌ها که قابلیت تعمیم هم دارند، ارایه می‌شود.

مقدمه

زبان به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و عاملی که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان را در طبیعت و نسبت به موجودات زنده‌ی دیگر رقم می‌زند، قادر است مقولاتی متفاوت را که در جامعه‌ی انسانی مطرح هستند به‌طور سیستمی منعکس کند. موضوع جنسیت نیز که در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی مورد بحث قرار می‌گیرد، از این قاعده مستثنی نیست. هدف این مقاله بررسی انعکاس پدیده‌ی جنسیت در زبان به‌طور اعم و در زبان فارسی به‌طور اخص است.

ادعای اصلی که در این مقاله براساس بررسی دیدگاه‌های نظری بیان شده

است و در دیسیپلین‌ها و زمینه‌های مطالعاتی مربوط به علوم اجتماعی و علوم انسانی مورد مذاقه قرار می‌گیرد، به صورت ذیل قابل بیان است.

در هر زبان که به صورت یک سیستم منسجم برای کلیه‌ی سخنوران آن زبان قابل درک، فهم متقابل و به کارگیری است و برای مقاصد ارتباطی، تفکر و اجتماعی شدن و دستیابی به جای‌گاه فرهنگی ضروری است، تفاوت‌هایی بارز بر حسب جنسیت سخنور یا به کارگیرنده‌ی آن زبان نیز وجود دارد. با توجه به این امر، موضوع زبان جنسیتی در این مقاله به صورت میان‌رشته‌ای مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد و سعی می‌شود بر اساس بررسی دیدگاه‌های نظری در سطوح بین‌المللی و مطالعات انجام گرفته در ایران، به این سؤال پاسخ داده شود که تفاوت‌های موجود در نحوه‌ی به کارگیری و استفاده از زبان در جنسیت‌های مختلف کدامند؟ فریدل با بررسی عوامل تفاوت‌های فردی و جنسیتی و روند اجتماعی شدن و هم‌چنین با توجه به مطالعات انسان‌شناسی، عامل پرورش را در بررسی‌های رفتاری در فرهنگ‌های مختلف مهم‌تر می‌شمرد (فریدل^۱، ۱۹۷۸) و نیز بررسی‌های روان‌شناسی اجتماعی در مورد شکل‌گیری مفهوم «خود» در روند زندگی افراد و تفکر اجتماعی آنان (رسالدو^۲، ۱۹۸۰)، بحث بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. از آنجا که هدف مقاله فقط مرور دیدگاه‌های نظری مختلف نیست، طبیعتاً در انتخاب نظریات مطرح شده کوشش چندانی در رعایت تناسب یا جامعیت نشده است و برعکس، بر دیدگاه‌های نظری بیان شده توسط مؤلف در تحقیقات گذشته‌ی خود و هم‌چنین در بررسی‌های مربوط به ایران - در ضمن بررسی و مرور دیدگاه‌های نظری کلی و بین‌المللی - بیشتر تأکید می‌شود. ضمن استفاده از رویکردهای نظری و مرور دیدگاه‌ها در این مقاله، انعکاس زبان جنسیتی در ایران و جلوه‌های این دیدگاه‌های نظری در

به کارگیری زبان فارسی نیز مورد نظر بوده است که برای این منظور مثال‌هایی از فیلم‌نامه‌هایی آورده شده است که تصادفی انتخاب شده‌اند، به‌ویژه در بحث بعدی مقاله که اختصاص به کمیت و کیفیت زبان جنسیتی دارد. نتیجه‌گیری، پس از بیان رابطه‌ی ادب و زبان جنسیتی، بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد که در آن موضوعاتی از قبیل تحلیل گفتمان و بررسی کنش‌های گفتاری جنسیت‌ها برای تحقیقات تجربی آتی پیشنهاد می‌شود.

جنسیت و نحوه‌ی به کارگیری زبان

لابوف از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان و ترودگیل از دیدگاه انسان‌شناسی، سعی کردند تا درباره‌ی زبان جنسیتی^۱ تحقیق کنند (لابوف^۲، ۱۹۶۶؛ ترودگیل^۳، ۱۹۷۲). آن‌ها طی مطالعات خود متوجه شدند که زن‌ها، صرف‌نظر از موقعیت اقتصادی - اجتماعی، سن و تعلقات گروهی و قومی، بیشتر از مردها تمایل به به کارگیری زبان استاندارد دارند. تعبیر آن‌ها از این یافته بر روند اجتماعی شدن در دوره‌ی کودکی دو جنس استوار است. دخترها در دوران کودکی و در حین روند اجتماعی شدن، همواره به دلیل به کارگیری زبان «خوش طرح و برازنده»، از سوی گروه هم‌آلان^۴ تشویق و تمجید می‌شوند و به پسران نیز اجازه داده می‌شود که بنا بر موقعیت‌های گوناگون، از زبان عامیانه و گاه خشن استفاده کنند. به کارگیری چنین زبانی در محاورات روزمره نه تنها والدین را شگفت زده نمی‌کند، بلکه در مواردی باعث افتخار و موضوعی در خور ستایش ارزیابی می‌شود.

جنیشی، دایسون و لاکف، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان‌شناختی، معتقدند که کنش‌های متفاوت کودکان در شیوه‌ی گفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

1. Genderlect

2. Labove

3. Trudgill

4. Peer Groups

پسران به بازی‌های جمعی در گروه‌های بزرگ تمایل دارند که معمولاً تهی از سلسله‌مراتب نیست، در نتیجه آن‌ها در فرایند بازی می‌آموزند که گفتار خود را برای مجادله و مقابله‌های احتمالی با دیگران تنظیم کنند. دختران در گروه‌های کوچک و معمولاً با همراهی و هم‌یاری بهترین دوستان (انتخاب شده) خود بازی می‌کنند، پس گفتار آن‌ها با چنین افرادی همراه با صمیمیت و عطف است. آن‌ها سعی می‌کنند حتی‌الامکان از ستیزه‌جویی و درگیری دوری کنند و به‌میزان همدلی و دوستی بیفزایند (جنیشی و دایسون^۱، ۱۹۸۴؛ لاکف^۲، ۱۹۷۵).

لاور و هاتچسون، در مشاهدات و مصاحبه‌های خود با گروه کودکان مختلط کلاس پنجم، متوجه شدند که دانش‌آموزان پسر در بازی‌های گروهی شرکت می‌کنند که معمولاً قانون‌مند است و در آن‌ها رقابت وجود دارد در حالی که دختران تمایل به بازی‌های تکراری در گروه‌های کوچک دارند که در آن، فضای همکاری و همیاری مستولی است. در بازی‌هایی که مستلزم رعایت قوانین است، دخترها قادرند تا ضوابط بازی را به‌نفع روابط شخصی زیر پا بگذارند در حالی که پسران سخت پای‌بند رعایت قوانین هستند و تخطی از آن‌ها به آسانی صورت نمی‌پذیرند (لاور و هاتچسون^۳، ۱۹۷۲؛ نرسیسیانس، ۱۳۸۳).

میلروی متوجه شد که تمایل به استفاده از زبان عامیانه بیشتر در پسران وجود دارد تا دختران. چنین رفتاری را می‌توان حمل بر آن کرد که دختران تمایل بیشتری به هم‌سوئی و اتکا بر هنجارهای اجتماعی دارند. در این تعبیر می‌توان تأثیر دیدگاه جنس‌گرایی را به این معنی که جنس مؤنث به‌صورت

1. Genishi and Dyson

2. Lakoff

3. Laver and Hutchison

طبیعی تمایل به تبعیت و پیروی دارد، مشاهده نمود (میلروی^۱، ۱۹۸۰). از دیدگاه تاریخ زبان‌شناسی نیز می‌توان تعبیرهای دیگری را برای تغییر پدیده‌ی فوق قایل شد. زبان‌ها براساس شکل‌های عامیانه‌شان است که غنی می‌شوند و تکامل می‌یابند. انواع غیراستاندارد زبان‌های نسل گذشته قابلیت این را دارند که در شرایط ویژه تبدیل به زبان استاندارد نسل بعدی شود.

گفتار برپایه‌ی اشکال غیراستاندارد، شیوه‌ای است برای ابراز دو پدیده‌ی اجتماعی که عبارتند از: آزادی انتخاب گفتار و قدرت خلافت در زبان. دو پدیده‌ای که معمولاً زنان را از آن‌ها برحذر می‌کنند. هنوز فراموش نکرده‌ایم که زن‌ها همواره برای استفاده از زبان «خوش طرح و برازنده» است که تشویق می‌شوند؛ نوعی از زبان که خصوصیات گفتار عامیانه در آن راه ندارد.

هنگامی که مردان به استفاده از زبان قوی و قدرت‌مند تشویق می‌شوند که همراه با خلافت و بدعت است، زن‌ها در نوعی از زبان که تاریخ برای آن‌ها رقم زده است محبوس هستند (فیشر^۲، ۱۹۵۸).

زبان در روند اجتماعی شدن

نمی‌توان عامل تفاوت‌های فردی و تفاوت‌های جنسیتی را که به پیچیدگی نوع گفتار دامن می‌زنند و در روند گزینش گفتار تأثیر می‌گذارند، نادیده گرفت و نیز نمی‌توان منکر این شد که روند اجتماعی شدن بر هر دو جنس تأثیرات گوناگون می‌گذارد (فریدل^۳، ۱۹۷۵). برای مثال، تحمل رفتار گفتاری به اصطلاح دخترانه برای پسران، از سوی والدین و جامعه قابل قبول نیست و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و معمولاً با تعبیری سخیف توأم است (ادواردز^۴، ۱۹۸۱). کودکان در روند اجتماعی شدن به‌خوبی با رفتارهای مناسبی که

1. Milroy

2. Fisher

3. Ernestine Friedl

4. Edwards

جامعه از آن‌ها انتظار دارد، آشنا می‌شوند و آن‌ها را در زندگی روزمره‌ی خود و در حوزه‌های متفاوت عملاً پیاده می‌کنند. تحقیقات در مورد جنسیت نشان می‌دهد که بروز رفتارهای مردانه از سوی زنان، به مراتب از سوی جامعه پذیرفته‌تر است تا رفتارهای عکس که معمولاً با سرزنش و مسخره شدن همراه است (همان، ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱).

چنین بازتابی از طرف جامعه ممکن است ریشه در برنامه‌ی پنهانی و غیرمکتوب داشته باشد که در نظم اجتماعی وجود دارد که بر پایه‌ی آن، فرهنگ مردانه (که خود ناشی از تحمیل‌های اجتماعی است) از قبیل منطقی بودن، در تقابل با احساساتی و عاطفی بودن نیز تشویق می‌شود و در نتیجه، در حوزه‌های متفاوت فرهنگ نمود بارزتر و قابل پذیرش‌تری به خود می‌گیرد: «فرهنگی که پایه در سلطه‌ی مردانه و تحمیل‌های اجتماعی دارد از طریق تاریخ و اسطوره به صورت قوانین پنهانی و گاه غیرمکتوب در جامعه رخنه می‌کند و به صورت هنجار حاکم و غیرقابل تغییر در می‌آید» (ستاری، ۱۳۸۴).

لاکف معتقد است که زن‌ها در صحبت‌های خود از شیوه‌های «قدرتمند» مردانه که نه تنها نشان‌دهنده‌ی خلاقیت زبان‌شناختی، بلکه نشان‌دهنده‌ی «مهارت کلامی و اقتدار» مردانه است، استفاده نمی‌کنند و اصولاً به سبب موقعیت و منزلت اجتماعی خود فاقد دسترسی به آن و نتیجتاً فاقد فرصت‌های به کارگیری و تمرین از آن‌ها هستند (لاکف^۱، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵). برای نمونه به قسمتی از گفت‌وگو بین زن و مرد، برگرفته از فیلم‌نامه‌ی «دنیا» اثر فرهاد توحیدی، توجه کنیم:

«روز. خارجی / داخلی - خیابان، آژانس املاک

... در ورودی آژانس به شدت باز می‌شود. دنیا برافروخته وارد آژانس می‌شود. راهنمای جوانی پشت سر او وارد می‌شود. راهنما آشفته و نگران به نظر می‌رسد...

دنیا آقای عزیز! من دنبال یه خونه‌ی بزرگ می‌گردم نه شوهر.
 حاجی خب به سلامتی...
 دنیا پس چرا راهنمای شما عوض نشون دادن خونه، تو ماشین داره از من خواستگاری می‌کنه؟
 حاجی راهنمای من؟ غلطه می‌کنه. کدومشون؟ (برافروخته... بیرون می‌رود)...

دنیا صدای یک سیلی می‌شنود... صدای حاجی به گوش می‌رسد...
 صدای حاجی آبروی منو می‌بری؟ برو گمشو... عوضی...
 صدای باز شدن در و بعد، به هم زدن محکم آن به گوش می‌رسد.
 صدای حاجی (آرام‌تر) از همه برادرا و خواهرها، آقایونا، خانومای محترمه معذرت می‌خوام. ببخشید... بفرمایید...
 حاجی وارد می‌شود.

دنیا من نمی‌خواستم این جور ی بشه.
 حاجی اینجا یه بنگاه آبرومنده خانم جون. وقتی با آبروی بنگاه بازی می‌کنن، من که نمی‌تونم دست روی دست بذارم. یه بزرگ‌یه گله رو...

دنیا من فقط می‌خواستم شما یه تذکر بهش بدید.»
 (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۰)

الگوهای مکالمه و مصاحبه بین دو جنس می‌تواند مانند دال، شکل و انعکاسی باشد از یک مدلول، معنی یا واقعیت اجتماعی و انعکاسی باشد از

فقدان توازن و تساوی اجتماعیِ دو جنس زن و مرد در جامعه. در دنیای امروز نیز بیشتر، مردان کنش‌گران اصلی در حوزه‌های گفتاری هستند. با مشاهده‌ی برنامه‌های خبری تلویزیون می‌توان به سادگی پی به این موضوع برد که واقعیت‌های اجتماعی و قالب‌های فرهنگی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ساخته و پرداخته‌ی مردان در سطوح بومی و جهانی است. مردان فرهنگ خود را با استفاده از شیوه‌های کلامی به فرهنگ و سیستم‌های تعاملی ویژه و مسلط تبدیل می‌کنند.

کمیت و کیفیت زبان جنسی

یکی دیگر از حوزه‌های جالب در تحقیقات انسان‌شناسی زبان‌شناختی، موضوع کمیت صحبت‌های ارایه شده از سوی دو جنس است. عقیده‌ی رایج این است که زنان پرحرف‌تر از مردان هستند، موضوعی که تحقیقات انسان‌شناسی نسبت به آن بی‌تفاوت نیست. انسان‌شناسان زبان‌شناختی با نشان دادن سه تصویر به گروهی از زنان، دختران و پسران دانشجو خواستند تا آن‌ها را توصیف کنند. نتایج تحقیق نشان داد که دانشجویان پسر برای توصیف هر تصویر به‌طور متوسط سیزده دقیقه و دختران دانشجو به‌طور متوسط سه دقیقه و هفده ثانیه وقت گذاشته‌اند. (شرر و جایلز^۱: ۱۹۷۹)

تحقیقات و مشاهدات دیگر نشان‌گر این موضوع است که مردان تمایل به صحبت‌کردن در مجامع عمومی دارند؛ مجامعی که مردان برای ابراز افکار و شگردهای مهارت‌های کلامی خود با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و معلومات خود را در این فرصت به رخ یکدیگر می‌کشند. به همین دلایل آن‌ها کمتر درگیر محاورات در مجامع خصوصی می‌شوند، در صورتی که عکس این وضعیت در مورد زن‌ها صادق است (نرسیسیانس، ۱۳۸۳). در ذیل به

نمونه‌هایی از دیالوگ در فضای عمومی، برگرفته از فیلم‌نامه‌ی «شام آخر» به قلم فریدون جیرانی و فیلم‌نامه‌ی «زیر پوست شهر» به قلم رخشان بنی‌اعتماد، توجه می‌کنیم تا به رفتارگفتاری دو جنس در فضای عمومی پی ببریم:

«سالن اجتماعات دانشکده‌ی معماری

میهن مشرقی، زنی ۴۵ ساله با عینک ذره‌بینی، ایستاده پشت تریبون و برای دانشجویان سخنرانی می‌کند.

جوان (پسر) خانم مشرقی...

میهن نگاهش می‌کند.

بله... میهن

جوان می‌تونم اینجا سؤالی بپرسم؟

میهن سؤال بله، ولی اگه بخوای بحث راه بندازی، من امروز وقت ندارم...

جوان من اصلاً نمی‌خوام بحث کنم، فقط می‌خوام جواب سؤالمو بگیرم.

میهن بگو.

جوان چرا با این که بیست‌وسه ساله...

دختر جوانی در حالی که سرش را به سر دختر دیگری که کنارش نشسته نزدیک می‌کند...

دختر جوان مانی باز شلوغ کرد.»

(جیرانی، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۹)

«روز، داخلی، اطاقی در کارخانه‌ی بافندگی

نمای نزدیک / زن میان سال بر صفحه‌ی تلویزیون که به دوربین نگاه می‌کند.

گزارش‌گر شما اهمیت نقش زنان کارگر را در انتخابات مجلس که پیش روی ماست، چگونه می‌بینین؟

زن با دستپاچگی جلوی دوربین قرار می‌گیرد و شروع به حرف زدن می‌کند.

زن اهمیت نقش زنان... شغل‌هایی که زنان دارن بیمارستان‌ها، کارخونه‌جات... باید توجه بشه به اونا... زن‌هایی که زحمت می‌کشن...

در گردش دوربین، جمع زنان کارگر در کنار گزارش‌گر دیده می‌شوند که به زن مصاحبه‌شونده کمک می‌کنند تا حرفش را بهتر بزند. زن سعی می‌کند منظورش را توضیح بدهد گزارش‌گر حرف او را قطع می‌کند.

گزارشگر می‌بخشید خواهر... به نمایندگانی که رأی می‌دید از شون چه انتظاری دارید؟

زن انتظار ما از نمایندگان اینه که با خدا باشند، باتقوا باشند، مسکن و بیمه رو بدونن، بازنشستگی...

گزارشگر خیلی ممنون خواهر.

زن از جا بلند می‌شود.

زن کارگر دیگر چرا پاشدی طوبا؟

طوبا خسته شدم، من نمی‌تونم بگم، جلوی دوربین آدم لالمونی می‌گیره. شما بگو خانم رحمانی.

(لاهیجی، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۷)

موضوعات صحبت نیز بنا بر سلیقه‌ی مردان ارزش‌گذاری می‌شود،

موضوعاتی از قبیل سیاست، ورزش، انواع اتومبیل، مسائل اقتصادی و کسب‌وکار به مراتب جدی‌تر و مهم‌تر از موضوعات مربوط به تغذیه، پرورش نسل آینده و وضعیت تحصیلی فرزندان است، یعنی همان موضوعاتی که عموماً کالبد صحبت زنانه را تشکیل می‌دهد. در فیلم «زیر پوست شهر» شاهد دیالوگ‌هایی هستیم که می‌توانند در تأیید آنچه در سطور فوق آمده است، مورد استفاده قرار گیرند.

«روز، داخلی، مهندسین مشاور، دفتر مدیریت

مردنی (آقا) به... می‌بینی آقای دکتر چه جوری مغز جوون‌های این مملکت رو کار می‌گیرن، الان اونجا پُر برزیلی و بنگلادشیه. دیگه ایرونی می‌خوان چیکار؟ زرنگ باشی و چشم و گوشتو وا کنی هیچ کجا بهتر از اینجا پول در نمی‌آد.»

(همان: ۳۶)

«صدای فریاد من دارم می‌گم... اگه هر کدوم یکی گذاشتن وسط، من پنجاه‌تا، می‌خوان پامو بکشم کنار... ببینم کدوم تون مردین مرندي
یه طبقه اینو به سفت‌کاری برسونین؟ آقای دکتر شما هم از پیشش برنمی‌یای... کارو بگیر از دستش... یکی دیگه رو بذار... چیزی که تو این مملکت ریخته مهندس... نوبرشو که نیاورده.»

(همان، ۶۴)

«روز، داخلی/خارجی، اتوبانی در شهر

ناصرخان راست کارتو بگیر پسر. مردنی کارش ایراد داره. ظاهرش

تو کار صادراته، اما پشت قضیه یه چیز دیگه‌اس... همه از ترکیه لباس می‌آرن، این می‌گه من لباس عروس می‌فرستم از امیر، از استانبول کریستال وارد می‌کنم، دروغ می‌گه سگ‌پدر، دروغ... دور و برش هم نیلک، حالیه؟»
(همان، ۶۵)

سکوت مردان در محیط خانه نیز تأکیدی است بر بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به موضوعات به اصطلاح پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش که از طرف خانم خانه مطرح می‌شود. به صحنه‌ای از فیلم «دنیا» توجه می‌کنیم:

«شب. خارجی / داخلی. حیاط / خانه

حیاط دل‌گشای خانه‌ی قدیمی... معماری دهه‌ی سی تهران... پنجره‌ی اتاقی روشن است. برش می‌زنیم به اطاق. حاج‌رضا عنایت، تنومند، روی تنها مبل راحتی اتاق نشسته است و عرق‌چینی روی سر گذاشته است. شصت را باید تازه رد کرده باشد. شلوار راحتی‌اش را روی ساق لوله کرده و پاها را تا میچ در لگنچه‌ی آبی می‌گذارد که حاج‌خانم پیش پایش می‌نهد. حاج‌خانم پنجاه‌واندی ساله است.

حاج‌خانم سرد و گرمش کردم.

عنایت پاهایش را در آب ولرم می‌گذارد و کیفور می‌شود. ریحانه دختر نوجوان حاجی با بسته‌ای نمک می‌آید.

حاج‌خانم بده مادر. اندازه‌اش دستت نیست (نمک را می‌گیرد و در

لگنچه می‌ریزد. به ریحانه اشاره می‌کند که برود). هنو تو

لبی، هیچی نمی‌گی. هر شب که پاتو می‌داشتی تو آب

می‌گفتی - آخیش... دستت درد نکنه.

حاجی

(سرد و بی تفاوت) دستت درد نکنه.»

(توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶)

انسان‌شناسان در تحقیقات خود بر پایه‌ی مصاحبه‌ها و مشاهدات متوجه شدند که زن‌ها برای درگیر کردن مردان در محاوره و به عبارتی دیگر نوعی دعوت از آن‌ها به منظور همدمی، از استراتژی‌هایی سازگارتر، از قبیل مطرح کردن «موضوعات ویژه‌ی مردانه» استفاده می‌کنند. چنین استراتژی‌هایی با اهداف صحبت‌های زنان کاملاً همگونی و هم‌سویی دارد، چرا که زبان زنانه، زبانی است برای ایجاد رابطه‌ی دوستانه بر پایه‌ی حسن تفاهم. در مکالماتی که زن و مرد درگیر آن هستند، مردان در میانه‌ی صحبت، ابتکار عمل را با قطع صحبت با تکرار همان موضوع به نحوی دیگر یا عوض کردن آن به دست می‌گیرند و مانند یک کارشناس متخصص و فردی خبره شروع به اداره‌ی صحبت می‌کنند. واردهااف معتقد است که زبان مردان، زبانی است برای حفظ سلسله‌مراتب اجتماعی و حفظ منزلت و استقلال، مردها برای به کرسی نشاندن این اهداف سعی می‌کنند تا مهارت‌های سخنی، دانش و معلومات خود را به نمایش بگذارند و در حین اطلاعات‌دهی مفید، برای حفظ موقعیت ممتاز خود، از متلک‌پرانی، شوخ‌طبعی، خوارکردن و انتقاد و تصحیح دیگران ابا نداشته باشند. (واردهااف^۱: ۱۹۸۵)

هنگامی که زنان در مورد روابط متقابل افراد و یا روابط بین شخصی صحبت می‌کنند، از سوی مردان به «غیبت» کردن متهم می‌شوند، ولی هنگامی که مردان راجع به موضوعات فوق می‌خواهند صحبت کنند، آن‌ها را در لفافه، تئوری و افکار تجریدی می‌پیچند و با شکلی کاملاً «علمی» آن را مطرح می‌کنند که مبادا در زیر ننگ اتهام «غیبت‌کردن» خرد شوند.

(سادنو^۱، ۱۹۷۲)

زنان و مردان در محاورات رودرو بنا بر تجربه‌ی خویش بر پایه‌ی دو فرهنگ شروع به صحبت می‌کنند. عمده‌ترین تفاوت در این نوع مکالمات مربوط به تمایل و کوشش زن‌ها در حفظ هماهنگی و حفظ روابط می‌شود؛ در حالی که مردان در قبولاندن دیدگاه‌های خود اصرار و پافشاری می‌کنند، زن‌ها سعی می‌کنند تا موضوع صحبت را برای نتیجه‌گیری‌ها باز بگذارند. زن‌ها نظرات و ایده‌های خود را به صورت شک و تردید بیان می‌کنند و ابراز موضوعی با قطعیت کامل در مکالمات آن‌ها کمتر دیده می‌شود (لاور و هاتچسون^۲، ۱۹۷۲). دیالوگ زیر از فیلم‌نامه‌ی «زیر پوست شهر» می‌تواند نمونه‌ای گویا از مطلب فوق باشد.

«شب - داخلی - اتاق خانواده

عباس به اطاق می‌آید، حمیده صورتش را از عباس پنهان می‌کند. لحظه‌ای نگاه‌شان به هم گره می‌خورد.

عباس سرتو برگردون ببینم.

حمیده سرش را پایین می‌اندازد. عباس با صدای بلند می‌گوید.

عباس گفتم ببینم.

حمیده به گریه می‌افتد.

عباس می‌مونی با بچه‌ت همین‌جا. تا من تکلیف این مرتیکه رو روشن کنم. حالیت شد؟

حمیده تو رو خدا کار رو خراب‌تر نکن داداش. اون بیچاره هم کمرش زیر بار قرض شکسته.

عباس بی‌جا می‌کنه دق دلی شو سرتو خالی می‌کنه.

بغض حمیده می‌ترکد.

حمیده خدا منو بکشه که هم باید خفت اون طرفو بکشم هم

این‌ور...

محبوبه او را در بغل می‌گیرد.»

(لاهیجی، ۱۳۷۹: ۴۴)

ادب و زبان جنسیتی

انسان‌شناسان با مطالعه‌ی جوامع متفاوت گزارش می‌دهند که زن‌ها نسبت به مردها مؤدب‌تر هستند. هرچند امروز ادب به عنوان پدیده‌ای ارزش‌مند در جامعه تلقی می‌شود، اما در گذشته، نشانه‌ای از خواری و سرشکستگی فرد بوده است. کارکرد اصلی ادب، در بازشناسی جایگاه و منزلت والای افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی است. زنان از دیرباز، هنگام مخاطب قرار دادن پدران و همسران خود از کدهای احترام رایج در فرهنگ استفاده کردند، کدهایی که هنوز در زبان فارسی امروز در بین تهرانی‌های طبقه‌ی متوسط و بالا برجا است. از آنجا که رابطه‌ی زنان و جنسیت بر همبافت استوار است، تغییر ابزار ادب از سوی زن‌ها به‌خصوص در جوامع پدرسالار و سنتی توجیه‌پذیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

براساس تحقیقات متعدد در مورد کنش‌ها و رفتارهای زبانی افراد از دیدگاه انسان‌شناسی زبان و مشاهده‌ی فیلم‌ها با انتخاب تصادفی، به‌عنوان بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی به‌نظر می‌رسد که در شیوه‌ی گفتار زن‌ها و مردها تفاوت‌هایی وجود دارد.

مردان در تعاملات گفتاری خود اصرار دارند به اهداف خویش برسند، در

حالی که زن‌ها با به‌کارگیری شیوه‌هایی بر پایه‌ی همکاری، سعی در ایجاد انسجام گروهی دارند. مردها تمایل به کنترل و مدیریت کنش گفتاری و موضوع مورد بحث دارند و می‌خواهند به نتایجی روشن و مشخص برسند در حالی که زن‌ها در پی ایجاد هماهنگی و سازگاری هستند و معمولاً موضوع صحبت را برای نتیجه‌گیری‌ها باز و آزاد می‌گذارند. به‌نظر می‌رسد که گفتار زن‌ها و مردها براساس تجربه‌ی آن‌ها در روند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. در این مقاله براساس بررسی الگوهای نظری مختلف - که شیوه‌های متفاوت سخن گفتن زنان و مردان را نه به‌صورت ذاتی هر جنس، بلکه به‌مثابه پدیده‌ی اجتماعی تبیین می‌کنند - نمونه‌هایی از گفتار جنسیتی برگرفته از فیلم‌نامه‌ها ارائه می‌شود که در آن‌ها کوشش در تأکید بر حفظ سازگاری در گفتار زنان و کنترل نتیجه در سخنان مردان ملاحظه می‌شود. بازتاب چنین تجربه‌هایی را می‌توان در تحلیل گفتمان دو جنس و در کنش‌های گفتاری آن‌ها نیز مشاهده کرد که می‌تواند موضوع تحقیقات آتی باشد.

منابع

- لاهیجی، شهلا؛ بنی‌اعتماد، رخشان و مصطفوی، فرید (۱۳۷۹). زیر پوست شهر: کالبدشکافی یک اثر سینمایی. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- توحیدی، فرهاد (۱۳۸۲). دنیا. براساس طرحی از علی روئین‌تن. تهران: انتشارات توفیق‌آفرین.
- جیرانی، فریدون (۱۳۸۰). شام آخر. تهران: انتشارات توفیق‌آفرین.
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی (وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی) (۱۳۶۹). حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. دفتر اول: قبل از اسلام، تهران: چاپ‌خانه سپهر.
- ستاری، جلال (۱۳۸۴). سیمای زن در فرهنگ ایرانی. تهران: انتشارات مرکز. نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳). مردم‌شناسی جنسیت، تهران: نشر افکار.
- Edwards, J. R. (1979). *Language and Disadvantage*. London: Edward Arnold.
- _____. (1981). "Analysing Classroom Talk". in: French, P. and MacLure, M. (Eds.), *Adult-child conversation*. London: Croom Helm.
- Fisher, J. L. (1958). "Social Influence in the Choice of a Linguistic Variant". *World*. 14: 47-56.
- Fried. E. (1975). *Women and Men: An Anthropologists View*: New

York: Holt Richard and Winston.

- _____. (1978). Society and Sex Roles. Human Nature Magazine. Cincinnati, Ohio: Human Nature, Inc.
- Genish. C. and Dyson, A. H. (1984). Language Assessment in the Early Years. Norwood: J.A. Ablex.
- Labov, W. (1966). The social stratification of English in New York City. Washington DC: Center for Applied Linguistics.
- Lakoff, R. (1973). "Language and Women's Place". Language in Society. 2: 45-80.
- _____. (1975). Language and Women's Place. New York: Harper and Row. .
- Laver, J. and Hutchson, S. (eds). (1972). Communication in Face to Face Interaction. Oxford: Basil Blackwell.
- Milroy, L. (1980). Language and Social Networks. Oxford: Basil Blackwell.
- Rosaldo, M. (1980). Knowledge and Passion: Notions of Self and Social Life. Stanford: Stanford University Press.
- Sherer, K.R. and Giles (eds). (1979). Social Markers in Speech. Cambridge: Cambridge University press.
- Sudnow, D. (ed). (1972). Studies in Social Interaction. New York: Free Press.
- Trudgill, P. (1972). "Sex, Covert Prestige and Linguistic Change in the Urban British English of Norwich". Language and Society, 1: 179-95.

Wardhaugh, R. (1985). *How Conversation Works*. Oxford: Basil Blackwell.